

---

## **Examining the plot of five stories from the Holy Quran based on Larry Way's theory (Case study: The story of Adam (PBUH), Ibrahim (PBUH), Davoud (PBUH), Hood (PBUH), Mary (PBUH) [In Persian]**

**Ahmad Mohammadi nejad pashaki <sup>1</sup>, Najme Mahyayi <sup>2\*</sup>, Yousef Taheri <sup>3</sup>**

<sup>1</sup> Phd in Arabic Language and Literature, Qom University, Iran

<sup>2</sup> Ph.D. Student of Arabic Language and Literature, Lorestan University

<sup>3</sup> Ph.D. Student of Arabic Language and Literature, Lorestan University

\*Corresponding author: mahyayi.92@gmail.com

DOI: 10.22034/jltll.2021.528493.0

Received: 29 Jan, 2021

Revised: 25 Jun, 2021

Accepted: 17 Aug, 2021

### **ABSTRACT**

Fictional elements are components that are cast in a certain format to move in an orderly and harmonious manner and to achieve an intellectual goal. Plot is one of the most important of these elements. The plot in real stories of the Holy Quran - with differences in quantity, quality and method of application - can be identified, analyzed and evaluated. Therefore, in the present study, the story of Prophets Adam (PBUH), Ibrahim (PBUH), Davoud (PBUH), Hood (PBUH), and Mary (PBUH) has been studied relying on the plot pattern of "Larry Way" and using descriptive-analytical method so that some of the artistic effects of these stories is revealed. The findings of this article indicate that the plot of all the mentioned stories is based on a causal relationship and in such a way that the story has a clear beginning, middle and end in any way it is told. All stories have a desirable structure and special processing in adhering to the aspects and elements of narration and storytelling, from the introduction to denouement, crisis-making, complication and ending; In such a way that a unique type of storytelling has been created by using an artistic texture and a strong and pleasant structure along with paying attention to vivid and dynamic illustration, honest staging and relying on reasonable causal relations. All stories have a proper and natural plot. Another point about the plot and actions of the stories is the appropriate selection of the most important events and the avoidance of longevity. As sometimes a very complex situation is expressed in the shortest possible sentences.

**Key words:** Story, Narrative Elements, Plot, Holy Quran.

## بررسی پیرنگ پنج داستان از قرآن کریم با تکیه بر نظریه لاری وای؛ مطالعه موردی داستان آدم(ع)، ابراهیم(ع)، داوود(ع)، هود(ع)، مریم(س)

احمد محمدی نژاد پاشاکی<sup>۱</sup>، نجمه محیایی<sup>۲\*</sup>، یوسف طاهری<sup>۳</sup>

۱. دکتری زبان و ادبیات عرب دانشگاه فردوسی مشهد ۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب لرستان

۳. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب لرستان

\*نویسنده مسئول مقاله Email: mahyaii.92@gmail.com

DOI: 10.22034/jltll.2021.528493.0

پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۷

اصلاح: ۱۴۰۰/۰۴/۰۴

دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۰

### چکیده

عناصر داستانی، اجزا و عناصری هستند که در قالب خاصی ریخته می‌شوند تا به‌طور منظم و هم‌آهنگ و در جهت تأمین هدفی فکری حرکت کنند. پیرنگ یکی از مهمترین این عناصر به‌شمار می‌آید. عنصر پیرنگ در داستان‌های واقعی قرآن کریم - با اختلاف در کمیت، کیفیت و نحوه کاربرد - قابل تشخیص، تحلیل و ارزیابی است. لذا در پژوهش حاضر با تکیه بر الگوی پیرنگ «لاری وای» و به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی طرح داستان حضرت آدم(ع)، ابراهیم(ع)، داوود(ع)، هود(ع) و مریم(س) پرداخته می‌شود تا بخشی از جلوه‌های هنری این داستان‌ها را نمایان شود. یافته‌های این جستار بیانگر این است که طرح تمامی داستان‌های مذکور بر اساس رابطه‌ی علی و معلولی و به‌گونه‌ای است که داستان به هر شیوه‌ای که بیان شود، شروع، میانه و پایانی روشن دارد. همه‌ی داستان‌ها در پایبندی به جنبه‌ها و عناصر روایت‌گری و داستان‌پردازی از مقدمه گرفته تا گره‌افکنی، بحران‌زایی، گره‌گشایی و پایان‌بندی، از ساختی مطلوب و پردازشی ویژه برخوردارند؛ به‌گونه‌ای که با بهره‌مندی از بافتی هنرمندانه و ساختاری محکم و دلنشین در کنار توجه به تصویرگری زنده و پویا، صحنه‌پردازی صادقانه و با تکیه بر روابط علی و معلولی معقول نوعی منحصر به فرد از داستان‌پردازی را خلق نموده‌اند. همه‌ی داستان‌ها از طرح‌افکنی مناسب و طبیعی برخوردارند. نکته دیگر درباره‌ی طرح و کنش‌های

داستان‌ها، گزینش بجا و مناسب مهم‌ترین حوادث و پرهیز از درازگویی است. چنانکه گاه یک موقعیت بسیار پیچیده و بغرنج با کوتاهترین جمله‌های ممکن بیان می‌شود. واژگان کلیدی: داستان، عناصر داستانی، پیرنگ، قرآن کریم

#### ۱. مقدمه

داستان یکی از کهن‌ترین جلوه‌های هنری در زندگی بشر است. گرایش به داستان در نهاد آدمی به ودیعه گذارده شده و خداوند متعال برای تکامل و تعالی بشر، بهترین و زیباترین داستان‌ها را در اوج زیبایی، بیان نموده است. زبان قرآن نیز که از برجستگی‌ها و جلوه‌های زیبایی و آفرینش‌های هنری بی‌مانندی بهره‌مند است، توجه خاصی به داستان نشان داده است و: «بخش‌های قابل توجهی از قرآن کریم به بیان داستان‌های لطیف و آموزنده‌ای که ریشه در فطرت انسان دارند، اختصاص یافته و مفاهیم عقلی و مهمی از قبیل اثبات خدا، رسالت انبیا و معاد و بازگشت مردم در عرصه قیامت در قالب الفاظ شیرین و شیوای داستان بیان گردیده است و هیچ‌گاه خداوند این مفاهیم را تنها در لوای استدلال‌های منطقی محض به کار نبرده است.» (کاظمی، ۱۳۷۹: ۸) داستان‌ها در قرآن کریم با عناصر داستانی نوین هماهنگی دارند و از نظام مشخصی پیروی می‌کنند و طرح این داستان‌ها نظام‌مند است، این نظام‌مندی گاهی بین داستان و هدف و غرض خاص سوره، گاهی بین داستان و ترتیب نزول سوره و همیشه بین داستان و فضای نزول در میان عناصر داستانی طرح، یکی از اساسی‌ترین عناصر و مهم‌ترین جزئی است که در تحلیل‌های ساختارگرایان در زمینه انواع متون روایی به آن پرداخته می‌شود، با این پیش فرض طرح، اساس و پایه روایت را به وجود می‌آورد؛ چون سببیت زمانی و روابط علی و معلولی میان وقایع، همچون ریسمانی ناپیدا وقایع داستان را به هم پیوند می‌زند. (مستور، ۱۳۸۷: ۱۴)

در این پژوهش تلاش شده طرح داستان‌های حضرت آدم<sup>(ع)</sup>، ابراهیم<sup>(ع)</sup>، داوود<sup>(ع)</sup>، هود<sup>(ع)</sup>، و مریم<sup>(س)</sup> بر اساس نظریه‌ی پیرنگ لاری وای تحلیل و بررسی شود. از دلایل انتخاب دیدگاه پیرنگ لاری وای برای بررسی و تحلیل این داستان‌ها یکی این است که این دیدگاه برای ساختار داستان‌های مذکور متناسب است و دیگر اینکه تاکنون پژوهش‌های اندکی با استناد به نظریه‌ی پیرنگ این نظریه-پرداز صورت گرفته است؛ لذا در جستار پیش‌رو پس از ارائه‌ی تعریفی از داستان، عناصر داستانی و پیرنگ و معرفی نظریه‌ی لاری وای به بررسی طرح داستان‌های حضرت آدم<sup>(ع)</sup>، ابراهیم<sup>(ع)</sup>، داوود<sup>(ع)</sup>،

هود<sup>(ع)</sup>، و مریم<sup>(س)</sup> در قرآن کریم و با تکیه بر این نظریه می‌پردازیم و جلوه‌های هنری این داستان‌ها را نمایان می‌سازیم.

پرسش اصلی این جستار این است که آیا نظریه‌ی لاری وای برای خوانش داستان‌های مذکور به کار می‌آید؟ و آیا ساختار طرح روایی داستان‌های مذکور با الگوی پیرنگ این نظریه‌پرداز منطبق است؟

#### روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی و بر اساس رویکرد ساختارگرایی است. نتایج این تحلیل مبتنی بر نظریه‌ی ساختارگرایی «لاری وای» است و ملاک‌ها و عنصرهای آن، ساختار روایی و تحلیل عناصرکنشگر است که با تحلیل این عناصر، به پرسش‌های اصلی جواب داده خواهد شد.

#### ۲. پیشینه‌ی تحقیق

تاکنون در مورد بررسی ساختار روایت و پیرنگ داستان‌های قرآن کریم مطالعات و پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است که مهمترین آنها عبارتند از:

مالک عبدی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نظام طرح داستان حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> در قرآن کریم، با تکیه بر نظریه‌ی پیرنگ لاری وای» به مدیریت دقیق و گزینش مناسب اطلاعات، خلق معنا و تعلیق پی در پی در کمترین حجم متن و کنش، همسویی کنش‌ها و وحدت حوادث پرداخته‌اند. خلیل پروینی در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل عناصر ادبی و هنری داستان‌های قرآن» به صورت محدود به بررسی برخی از مؤلفه‌های روایی و جلوه‌های هنری داستان‌های قرآنی از جمله پیرنگ پرداخته است.

اسماعیل صادقی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «بررسی ساختار روایت در داستان حضرت ایوب» در فصلنامه‌ی مطالعات داستانی، بر طبق الگوی پیرنگ «تودروف» و «گرماس» به بررسی ساختار روایت و پیرنگ در داستان حضرت ایوب<sup>(ع)</sup> پرداخته‌اند.

محمود بستانی در کتابی با عنوان «جلوه‌های هنری داستان قرآن کریم» در دو جلد به بررسی مفاهیم فکری و جنبه‌های ساختاری داستان‌های قرآن کریم پرداخته است.

علی اصغر حبیبی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی مؤلفه‌های روایی داستان‌های قرآن کریم» به بررسی پیرنگ تعدادی از داستان‌های قرآن کریم پرداخته است.

### ۳. تعریف داستان

«داستان» در زبان فارسی به معنی قصه، حکایت، افسانه و سرگذشت به کار رفته است و در ادبیات، اصطلاح عامی به شمار می‌آید که شامل صور متنوع قصه می‌شود و انشعابات مختلف ادبیات داستانی از قبیل داستان کوتاه، رمان، داستان بلند و دیگر اقسام این شاخه از ادبیات خلاق را در برمی‌گیرد. (داد، ۱۳۷۵: ۱۳۲)

داستان از قالب‌های ادبی بسیار پرطرفدار و جذاب و ابزاری کارآمد و مناسب برای بیان افکار و اندیشه‌های مختلف است «داستان نقل وقایع است به ترتیب توالی زمان» (فورستر، ۱۳۵۳: ۳۶) داستان یک سلسله وقایع حقیقی یا غیرحقیقی است که به طور زنده و آمیخته با جزئیات بیان شده باشد، به نحوی که متخیله خواننده یا مستمع بتواند آنها را همان لحظه مجسم کند. (براهینی، ۱۳۴۸: ۱۲۱)

### ۳-۱. عناصر داستان

داستان یکی از قالب‌های ادبی است که در مکتب ساختارگرایی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. داستان، اجزا و عناصری دارد که در تحلیل‌های ساختاری، ضمن تجزیه و تحلیل؛ روابط آنها با یکدیگر و با کل داستان سنجیده می‌شود (میرصادقی، ۱۳۸۲: ۶۴).

عناصر داستان، اجزای بنیادین تشکیل‌دهنده داستان هستند. داستان دربردارنده‌ی چند عنصر اصلی است که عبارتند از: شخصیت، پیرنگ یا علیت، صحنه، راوی، زاویه‌ی دید، موضوع، کنش یا حادثه و درونمایه. (گراوند، ۱۳۸۸: ۱۶)

### ۲-۳. پیرنگ

طرح به مجموعه علت یا علت و معلول‌هایی گفته می‌شود که داستان را شکل می‌دهد؛ در واقع پیرنگ پاسخ به چرایی است که در ذهن مخاطب ایجاد می‌شود، داشتن طرح قوی یکی از ویژگی‌های داستان است، روایت‌شناسان طرح را معمولاً چنین تعریف می‌کنند: "طرح، نقل حوادث است با تکیه بر موجیبت و روابط علت و معلولی." (فورستر، ۱۳۶۹: ۹۲).

تعریف طرح یا پیرنگ، از فن شاعری ارسطو مایه می‌گیرد، ارسطو به طرح به دیده یک کنش واحد و منسجم می‌نگرد و برای آن اهمیتی بیش از اجزای دیگر قائل می‌شود (پرین، ۱۳۷۸: ۴۲). بسیاری بر این باورند که اصطلاح طرح یا پیرنگ، نخستین بار توسط «تروتان» و «تودوروف»، زبان شناس و روایت‌شناس بلغاری مقیم فرانسه به کار برده شد و «ولادیمیر پراپ» نخستین روایت‌شناسی بود که در حوزه ساختارگرایی با بررسی انواع مختلف روایت، طرحی فراگیر ارائه داد (پراپ، ۱۳۸۶: ۱۶۲). به طور کلی طرح رابطه‌ی علت و معلولی داستان را بر عهده دارد و وابستگی موجود میان حوادث داستان را به طور عقلانی تنظیم می‌کند و در ارتباط دو سویه با فرم و محتوای داستان قرار دارد، از یکسو نظم و سازمان خاصی به فرم و شکل اثر می‌دهد و از دیگر سو به محتوای اثر جنبه‌ی عقلانی و منطقی می‌بخشد. "ساختمان ماهرانه یک طرح مستلزم توانایی پرورش حوادث درون اثر در یک سیر تحولی جالب و پویا است." (زیس، ۱۳۶۰: ۱۳).

پیرنگ آغاز، میانه و پایان دارد. اغلب آن را با نموداری کمان شکل با خطوط زیگ‌زاگی برای نمایش اوج و فرود کنش داستان ترسیم می‌کنند. در سطح میانه، ساختار پیرنگ متشکل است از صحنه و پایان‌بندی. صحنه واحدی از درام است که در آن کنش واقع می‌شود. سپس، نوعی تحول یا گذار از موقعیت فعلی صورت می‌گیرد و در پی آن پایان‌بندی یا اختتامیه می‌آید. (حسینی، ۱۳۸۳: ۸۲).

### ۳-۳. معرفی نظریه‌ی پیرنگ لاری وای

لاری وای نیز همانند دیگر نظریه‌پردازان در دوره‌ی معاصر الگویی واحد برای پیرنگ ارائه داد. در دیدگاه لاری وای هر روایت از پیرنگ مشتمل بر پنج مرحله است.

این پنج مرحله عبارتند از: ۱. مرحله اولیه پایدار، ۲. گره‌افکنی که در حالت اولیه خلل وارد می‌کند؛ ۳. پویایی یا کنش، ۴. حل مشکل و گره‌گشایی که نتیجه کنش است. ۵. وضعیت پایانی که در آن تعادل دوباره به دست می‌آید (رجبی، ۱۳۹۱: ۱۱۴).

بنابراین در الگویی که لاری وای ارائه داده، هر روایت شامل سه مرحله‌ی ۱. آغاز (پایدار اول)، ۲. میانه (ناپایدار)، ۳. پایان (پایدار دوم) است (همان: ۱۱۴).

شروع داستان که در آن هیچگونه کشمکشی بین شخصیت‌های روایت وجود ندارد همان مرحله پایدار آغازین در الگوی «لاری وای» است. میانه‌ی داستان نیز که کشمکش بین شخصیت‌ها را در بر می‌گیرد، در الگوی «لاری وای» همان وضعیت ناپایدار است. به عقیده‌ی «لاری وای»، بیشترین شگردی که نویسنده در طرح ریزی به کار می‌برد، در مرحله میانه و ناپایدار داستان است (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۷۴).

این مرحله سه بخش فراز، اوج و فرود دارد. فراز با گره‌افکنی از طریق نیروی اخلاک‌گر یا برهم زننده مرحله پایدار و برهم زدن تعادل در داستان شروع می‌شود و حاصل آن، دست کم، یکی از چهار نوع کشمکش جسمانی، ذهنی، عاطفی و اخلاقی است (همان: ۷۴). شاخص‌ترین معیار این موقعیت، حرکت تصاعدی کنش‌های داستان و هدایت آنها به مرحله بحران و اوج، و در نتیجه، انگیزش حس تعلیق در مخاطب روایت است (رجبی، ۱۳۹۱: ۱۱۴).

مرحله‌ی میانی الگوی پیرنگ «لاری وای» که از آن به مرحله‌ی پویایی و انتقال یاد می‌شود شامل سه نقطه گره‌افکنی، بحران و گره‌گشایی است. داستان از نقطه گره‌گشایی که با نیروی سامان‌دهنده صورت می‌گیرد، به سوی مرحله پایانی پایدار دوم می‌رود (همان: ۱۱۵).

مرحله پایان نیز در الگوی «لاری وای» همان وضعیت پایدار دوم است که در آن، داستان به پایداری جدیدی مغایر با وضعیت اولیه می‌رسد در این مرحله نیروی سامان‌دهنده‌ای روند تغییر و تحول را خاتمه می‌دهد (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۷۴).

در این پژوهش بر آنیم تا با تکیه بر الگوی معرفی شده به بررسی طرح کلی داستان‌های حضرت آدم(ع)، ابراهیم(ع)، داوود(ع)، هود(ع) و مریم(س) بپردازیم.

#### ۴. معرفی داستان آدم (ع) در قرآن کریم

در قرآن کریم ۲۵ بار نام آدم<sup>(ع)</sup> آمده است، ولی تفصیل آفرینش او در سوره‌های بقره، اعراف، حجر، اسراء، طه و ص ذکر شده است. بنابر روایات دینی، آدم<sup>(ع)</sup> نخستین انسان و پدر همه انسان‌هاست. داستان حضرت آدم<sup>(ع)</sup> در قرآن کریم از بدو تولد وی آغاز می‌گردد، خداوند روح خود را در کالبد وی می‌دمد، آنگاه خود را برای خلقت آدم ستایش می‌کند. پس از خلقت آدم فرشتگان مامور شدند که بر او سجده کنند. در نهایت آدم و همسرش حوا به سبب خوردن میوه ممنوعه از بهشت اخراج می‌شوند، بنابراین داستان آدم<sup>(ع)</sup> تا زمان طرد شدنش از بهشت و فرود آمدن به زمین در قرآن کریم ذکر شده است.

#### ۴-۱. طرح شناسی داستان آدم(ع) در قرآن کریم

طرح کلی یا ابرساختار داستان آدم<sup>(ع)</sup> را بر اساس طرح لاری وای، می‌توان بر محور وقایع زندگی و سرگذشت آدم<sup>(ع)</sup>، به سه مرحله آغازین، میانی و پایانی تقسیم کرد. در این جستار طرح روایات را از منظر کنش‌های مرتبط با سایر شخصیت‌ها (حوا، شیطان) مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم. ماجرای آدم<sup>(ع)</sup> از بدو تولد تا اخراج شدنش از بهشت مشتمل بر یک طرح کلی و دو طرح پاره است:

الف- طرح پاره‌ی اول: تولد آدم<sup>(ع)</sup> و بیرون رانده شدن ابلیس از بهشت

فرآیند آغازین: خداوند آدم<sup>(ع)</sup> را از گل خشکیده‌ای می‌آفریند و به فرشتگان دستور می‌دهد در برابر آدم سجده کنند.

فرآیند پویایی:

الف: گره‌افکنی: ابلیس از فرمان خداوند سرپیچی می‌کند.

ب. بحران: ابلیس از بهشت رانده می‌شود و با رانده شدن وی از بهشت داستان به اوج خود می‌رسد.

ج. گره‌گشایی: ابلیس از خداوند تا روز قیامت مهلت می‌گیرد و خداوند به وی مهلت می‌دهد.

فرآیند پایانی: داستان با سوگند خداوند برای پر کردن دوزخ از ابلیس و هرکسی که از وی پیروی کند به اتمام می‌رسد.

ب- طرح پاره‌ی دوم: فریب خوردن آدم و حوا و رانده شدنشان از بهشت همراه است. فرآیند آغازین: خداوند آدم<sup>(ع)</sup> و حوا را در بهشت اسکان می‌دهد و از آنان می‌خواهد که از هر نعمتی جز میوه‌ی یک درخت اطعام نکنند.

پویایی:

الف: گره‌افکنی: ابلیس آدم و حوا<sup>(ع)</sup> را وسوسه کرده و آنان را فریب می‌دهد که از میوه‌ی درخت بخورند تا فرشته شوند و جاویدان بمانند.

ب: بحران: با خوردن آدم و حوا از میوه‌ی درخت آن‌ها از بهشت بیرون رانده شده و برهنه به زمین فرستاده می‌شوند.

ج. گره‌گشایی: آدم<sup>(ع)</sup> از این عمل خویش توبه کرده و طلب بخشش می‌کند و خداوند توبه‌ی آنان را می‌پذیرد.

فرآیند پایانی: آدم<sup>(ع)</sup>، حوا و نسل‌شان تا روز قیامت به زمین فرستاده می‌شوند و داستان اینگونه به اتمام می‌رسد.

در هر دو طرح پاره، ابلیس عامل اخلاک‌گر و خداوند عامل سامان دهنده است. و دو طرح جزئی مربوط به بخش فرایند میانی طرح هستند که به ترتیب، عبارت اند از:

۱. سرپیچی ابلیس و رانده شدنش از بهشت

۲. رانده شدن آدم<sup>(ع)</sup> و حوا از بهشت

۵. معرفی داستان ابراهیم<sup>(ع)</sup> در قرآن کریم

نام حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> ۶۹ بار در ۶۳ آیه از ۲۵ سوره‌ی قرآن کریم ذکر شده است و چهاردهمین سوره قرآن به نام اوست که ۵۲ آیه دارد. کلمه ابراهیم لفظ اعجمی است که مرکب از «اب» به معنای پدر و «راهیم» به معنای «رحیم» است (ابوالستیت، ۱۹۹۱: ۱۲۵).

داستان حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> از جمله داستان‌های بلند قرآن کریم است که در سوره‌های مختلف پراکنده شده و شامل ژرف‌ترین معناها و آموزه‌های اسلام است. مضامینی چون: یکتاپرستی، معاد، اخلاص، یقین و صبر و... که ممکن است در سوره یا داستانی هر کدام شاخص‌تر باشد، اما همه‌ی آنها در پیوستاری منسجم از نوجوانی تا پایان حیات حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> و ساختن کعبه مطرح می‌شوند و دارای وحدت

موضوعی هم در سوره‌ی مورد نظر و هم در ارتباط با کل داستان‌های وی است. داستان‌های مربوط به رویدادهای زندگی این پیامبر اولوالعزم در ۱۷ سوره آمده است که عبارتند از بقره: (۱۲۴ و ۲۶۰-۲۵۸)، انبیا: (۷۱-۵۱)، انعام: (۷۴-۸۳)، عنکبوت: (۲۷-۱۶)، شعراء: (۸۹-۶۹)، زخرف: (۲۸-۲۶)، مریم: (۴۹-۴۱)، ابراهیم: (۳۸-۳۵ و ۴۹-۴۷)، صافات: (۸۳-۱۱۳)، ذاریات: (۳۷-۲۴)، هود: (۷۶-۶۹)، حجر (۵۱)، نحل (۶)، هود (۱۲۰)، ممتحنه (۶۹) (حسینی، ۱۳۷۷: ۸۴).

در هر سوره جهت تأمین اهداف فکری آن و با اسلوب بیانی تعابیر، تصویرگری‌ها و طرح خاصی به کار گرفته شده است. در حقیقت فرازهای انتخابی داستان در هر سوره علاوه بر آن که با فضای کلی آن سوره کاملاً تناسب دارد. حلقه‌ای جهت تکمیل تصویر کلی داستان است. داستان مذکور به دلیل استفاده‌ی جدا و مناسب از عنصر پیرنگ از تأثیرگذارترین قصص قرآنی است که در راستای تأمین هدف فکری قرآن حرکت می‌کند (جعفری، ۱۳۷۶: ۴۳).

اجزای داستان ابراهیم<sup>(ع)</sup> در قرآن کریم بر اساس رابطه‌ی علت و معلولی به هم پیوسته است و پیوند محکم و زنده‌ای بین اجزاء آن برقرار است. به گونه‌ای که هر جزء آن مکمل جزء پیشین و یا شرح و تفصیلی برای آن و یا امری هماهنگ و متجانس با آن است. (بستانی، ۱۳۸۴: ۱۶۳) ساختار این روایت سه قسمت ابتدایی میانی و نهایی داشته است.

در تمام حوادثی که در داستان حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> رخ می‌دهد، رابطه‌ی علی و معلولی حاکم است. این ویژگی در ماجرای بت شکنی و در آتش افکنده شدن ابراهیم<sup>(ع)</sup> نیز مشاهده می‌شود؛ لذا بر اساس طرح لاری وای، طرح روایت در آتش افکندن ابراهیم<sup>(ع)</sup> را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم.

۱-۵. طرح شناسی ماجرای در آتش افکندن ابراهیم<sup>(ع)</sup>  
ماجرای در آتش افکندن ابراهیم<sup>(ع)</sup> بر یک طرح کلی و دو طرح پاره است.

الف- طرح پاره‌ی اول: شکسته شدن بت‌ها توسط ابراهیم<sup>(ع)</sup>  
فرآیند آغازین: مشرکان به بت پرستی مشغولند و به خدای ابراهیم ایمان نمی‌آورند.  
فرآیند پویایی:

الف: گره‌افکنی: ابراهیم سوگند می‌خورد که چاره‌ی بت‌های آنان را بکند.

ب. بحران: ابراهیم بت‌های مشرکان را می‌شکند.

ج. گره‌گشایی: نمرود به خشم می‌آید و تصمیم می‌گیرد ابراهیم را مجازات کند.

فرآیند پایانی: با تصمیم به آتش انداختن ابراهیم ماجرا خاتمه می‌یابد.

در این طرح ابراهیم عامل اخلاک‌گر و نمرود از عوامل سامان دهنده است.

ب- طرح پاره‌ی دوم: در آتش انداخته شدن ابراهیم<sup>(ع)</sup> و گلستان شدن آتش برای وی

فرآیند آغازین: نمرود تصمیم گرفته ابراهیم را مجازات کند.

فرآیند پویایی:

الف. گره‌افکنی: به دستور نمرود برای به آتش افکنده شدن ابراهیم هیزم جمع آوری می‌شود.

ب. بحران: با پرتاب شدن ابراهیم<sup>(ع)</sup> در داخل آتش داستان به اوج خود می‌رسد.

ج. گره‌گشایی: به اذن خداوند آتش بر ابراهیم<sup>(ع)</sup> گلستان می‌شود و ابراهیم نجات می‌یابد.

فرآیند نهایی: نمرود به هدفش نمی‌رسد.

در این طرح نمرود عامل اخلاک‌گر و خداوند عامل سامان دهنده است.

در این طرح کلی، دو طرح جزئی مربوط به بخش فرایند میانی طرح هستند که به ترتیب، عبارت اند از:

۱. شکسته شدن بت‌ها توسط ابراهیم<sup>(ع)</sup>

۲. به آتش انداخته شدن ابراهیم<sup>(ع)</sup>

۲-۵. طرح شناسی هاجر و اسماعیل

ماجرای هاجر و اسماعیل در قرآن کریم بر یک طرح کلی استوار است و کنش‌های مرتبط با ماجرا در این

روایت طرحی بدین شرح دارد:

فرآیند آغازین: ابراهیم<sup>(ع)</sup> به دستور خداوند فرزند و همسرش را در بیابانی دور دست و بی آب و علف رها

می‌کند.

پویایی:

الف. گره‌افکنی: رها شدن هاجر و اسماعیل در بیابان و تشنگی اسماعیل و بی‌تابی وی.

ب. بحران: هاجر برای یافتن آب برای کودکش میان کوه صفا و مروه به این طرف و آن طرف می‌دود، با

بی‌هوش شدن کودک داستان به اوج خود می‌رسد.

ج. گره‌گشایی: با جوشیدن چشمه‌ای در زیر پای اسماعیل، گره‌گشایی در داستان رخ می‌دهد. فرآیند پایانی: هاجر و کودکش از آب چشمه می‌نوشند و سیراب می‌گردند. در این طرح ابراهیم نیروی اخلاک‌گر و خداوند نیروی سامان دهنده است. فرآیند کلی، به ترتیب، عبارت اند از:

۱. رها کردن هاجر و اسماعیل در بیابان به دستور خداوند
۲. تشنه شدن هاجر و اسماعیل در بیابان و جوشیدن چشمه به اذن خداوند
۳. سیراب شدن هاجر و اسماعیل

### ۳-۵. طرح شناسی ماجرای قربانی کردن اسماعیل

وقایع شرح دهنده سرگذشت قربانی کردن اسماعیل نیز یک طرح کلی است. کنش‌های مرتبط با ماجرا در این روایت طرح، بدین شرح دارد: فرآیند آغازین: به اذن خداوند ابراهیم رؤیایی می‌بیند. فرآیند پویایی:

الف. گره‌افکنی: قربانی شدن اسماعیل در خواب گره‌افکنی داستان را رقم می‌زند.

ب. بحران: ابراهیم فرزندش را از این رؤیا مطلع می‌سازد و فرزند پس از شنیدن سخنان پدر خواستار اجرای امر پروردگار می‌شود و در نهایت با قرار گرفتن چاقو بر روی گردن اسماعیل<sup>(ع)</sup> داستان به اوج خود می‌رسد.

ج. گره‌گشایی: با آمدن قوچی عظیم از سوی پروردگار و قربانی شدن آن به جای اسماعیل، گره‌گشایی در داستان رخ می‌دهد.

فرآیند پایانی: اسماعیل به اذن خداوند از قربانی شدن رهایی می‌یابد. در این ماجرا ابراهیم نیروی اخلاک‌گر و خداوند نیروی سامان دهنده است. در این طرح، فرآیند کلی، عبارت اند از:

۱. رؤیای حضرت ابراهیم
۲. اقدام برای قربانی کردن حضرت اسماعیل
۳. قربانی شدن قوچ و رهایی حضرت اسماعیل<sup>(ع)</sup> به اذن خداوند

۴-۵. طرح‌شناسی ماجرای احتجاج ابراهیم(ع) با پدرش

ماجرای احتجاج ابراهیم(ع) با پدرش و دعوت وی به خداپرستی بر یک طرح کلی بنا شده است. این روایت از کنش‌هایی شکل گرفته که عبارتند از:  
فرآیند آغازین: ماجرا با دعوت ابراهیم(ع) به یکتاپرستی و مخالفت پدرش آغاز می‌گردد.  
فرآیند پویایی:

الف. گره‌افکنی: پدر ابراهیم به شدت با پیشنهاد ابراهیم(ع) به مخالفت برمی‌خیزد.

ب. بحران: با تهدید ابراهیم(ع) توسط پدرش برای سنگسار شدن، ماجرا به اوج خود می‌رسد.

ج. گره‌گشایی: با طلب آمرزش ابراهیم(ع) برای پدرش و دوری از وی گره‌گشایی داستان رقم می‌خورد.

فرآیند پایانی: در نهایت با کناره‌گیری ابراهیم(ع) از پدرش و بخشوندن اسحاق و یعقوب به وی به اذن خداوند و به دلیل استقامت وی ماجرا به پایان می‌رسد.

در اینجا نیروی اخلاک‌گر و نیروی سامان‌دهنده ابراهیم(ع) است.

این طرح به صورت کلی، به ترتیب، عبارتند از:

۱. دعوت ابراهیم(ع) به یکتاپرستی.

۲. مخالفت پدرش با دعوت وی و تهدید کردن او

۳. کناره‌گیری ابراهیم(ع) از خانواده

۵-۵. طرح‌شناسی ماجرای مژده‌ی تولد اسحاق

ماجرای مژده‌ی تولد اسحاق دارای یک طرح کلی است. کنش‌های این روایت بدین شرح است.:

فرآیند آغازین: میهمانانی ناشناس به منزل ابراهیم(ع) می‌آیند.

فرآیند پویایی:

الف. گره‌افکنی: میهمانان از غذایی که ابراهیم(ع) برایشان تدارک دیده، نخوردند. این امر نگرانی ابراهیم(ع) را برانگیخت.

ب. بحران: با مژده‌ی تولد اسحاق به ابراهیم و ساره داستان به اوج خود می‌رسد.

ج. گره‌گشایی: ابراهیم و ساره با شنیدن چنین خبری بسیار متعجب می‌شوند، فرشتگان می‌گویند این امر با اراده خداوند محقق می‌شود و در این بخش گره‌گشایی در داستان رخ می‌دهد. فرآیند پایانی: ابراهیم و ساره به اذن خداوند صاحب فرزند می‌شوند. در اینجا هر دو نیروی، اخلاک‌گر و سامان‌دهنده میهمانان هستند.

این طرح، به صورت کلی، به ترتیب، عبارتند از:

۱. آمدن میهمانانی ناشناس به خانه‌ی ابراهیم<sup>(ع)</sup>

۲. مژده‌ی تولد اسحاق توسط دو میهمان و تعجب ابراهیم و ساره از این خبر

۳. متولد شدن اسحاق به اذن خداوند

۵-۶. طرح شناسی ابراهیم (ع) و پرستش ستارگان، ماه و خورشید

وقایع داستان پرستش ستارگان و ماه یک طرح کلی است. کنش‌های این داستان عبارتند از:

فرآیند آغازین: مشرکان به ستایش ماه، خورشید و ستارگان مشغولند و به خدای ابراهیم ایمان نمی‌آورند. فرآیند پویایی:

الف: گره‌افکنی: ابراهیم تصمیم می‌گیرد که آنان را به خداپرستی دعوت کند.

ب. بحران: ابراهیم ماه، ستاره و خورشید را به خدایی بر می‌گزیند و داستان در اینجا به اوج خود می‌رسد.

ج. گره‌گشایی: با افول هرکدام از ماه، ستاره و خورشید، ابراهیم از پرستش آنها دست می‌کشد.

فرآیند پایانی: ابراهیم با اثبات عدم صلاحیت ماه، ستاره و خورشید خداوند یکتا را برای پرستش بر می‌گزیند و داستان به اتمام می‌رسد.

در این طرح دو نیرو، اخلاک‌گر و سامان‌دهنده خود ابراهیم<sup>(ع)</sup> است.

این طرح، به صورت کلی، به ترتیب، عبارت اند از:

۱. مشرک بودن قوم ابراهیم<sup>(ع)</sup>

۲. پرستش ماه، ستاره و خورشید توسط ابراهیم<sup>(ع)</sup>

۳. اثبات عدم صلاحیت ماه، خورشید و ستارگان برای پرستش و پرستش خداوند یکتا

۶. معرفی داستان داوود<sup>(ع)</sup> در قرآن کریم

داوود<sup>(ع)</sup> از جمله پیامبرانی است که نامش ۱۶ بار در قرآن کریم ذکر شده است. داستان حضرت داوود<sup>(ع)</sup> در ۵ سوره قرآن کریم آمده است که عبارتند از: بقره، مائده، انبیاء، سبأ و ص. داستان حضرت داوود<sup>(ع)</sup> در قرآن کریم با اشاره به کشته شدن جالوت توسط داوود<sup>(ع)</sup> در سوره بقره آغاز می‌گردد و با بیان داوری وی بین دو برادر در سوره «ص» به اتمام می‌رسد؛ در قرآن کریم به حوادث داستان حضرت داوود<sup>(ع)</sup> به‌طور کامل پرداخته نشده است و تنها داستان داوری حضرت داوود تا حدودی دارای پیرنگ و طرحی منظم است؛ لذا در این بخش تنها به بررسی پیرنگ این ماجرا می‌پردازیم.

۱-۶. طرح‌شناسی داستان داوری داوود<sup>(ع)</sup> در قرآن کریم

ماجرای داوری داوود<sup>(ع)</sup> در قرآن کریم بر یک طرح کلی استوار است و کنش‌های مرتبط با ماجرا در این روایت طرحی بدین شرح دارد:

فرآیند آغازین: با حضور ناگهانی دو برادر در نزد داوود<sup>(ع)</sup> و ترسیدن آن حضرت<sup>(ع)</sup> داستان آغاز می‌گردد. فرآیند پویایی:

الف. گره‌افکنی: گره‌افکنی داستان با درخواست داوری دو برادر از حضرت<sup>(ع)</sup> شکل می‌گیرد.

ب. بحران: داوود<sup>(ع)</sup> به سرعت و تنها با شنیدن سخنان یک نفر از آنها حکم را صادر می‌کند و حق را به شخص گوینده می‌دهد.

ج. گره‌گشایی: هر دو برادر به قضاوت حضرت راضی شده و آن مکان را ترک می‌کنند.

فرآیند پایانی: داوود<sup>(ع)</sup> متوجه اشتباهش می‌شود؛ لذا از خداوند طلب استغفار می‌کند. خداوند توبه‌ی وی را می‌پذیرد و داستان به اتمام می‌رسد.

در این طرح دو برادر نیروی اخلاک‌گر و داوود<sup>(ع)</sup> نیروی سامان دهنده است.

در این طرح، به صورت کلی، عبارتند از:

۱. حضور دو برادر در نزد داوود<sup>(ع)</sup> و درخواست داوری در بین آنان

۲. قضاوت زود هنگام داوود<sup>(ع)</sup>.

۳. استغفار داوود<sup>(ع)</sup> نزد خداوند به دلیل قضاوت زود هنگام و پذیرش توبه‌ی وی از جانب خداوند

## ۷. معرفی داستان هود<sup>(ع)</sup> در قرآن کریم

نام هود<sup>(ع)</sup> سی بار در قرآن کریم ذکر شده است و داستان حضرت هود<sup>(ع)</sup> در ۳ سوره‌ی قرآن کریم آمده است که عبارتند از: أعراف (۶۵-۷۲) هود (۵۰-۶۰) شعراء (۱۲۴-۱۴۰). این داستان جزو داستان‌های کوتاه قرآن کریم به شمار می‌آید که از دعوت آن حضرت به یگانه پرستی آغاز و تا پایان نزول عذاب الهی بر کافران ادامه می‌یابد.

### ۷-۱. طرح شناسی داستان هود<sup>(ع)</sup> در قرآن کریم

داستان حضرت هود<sup>(ع)</sup> در قرآن کریم از طرح و پیرنگی فنی و منسجم برخوردار است. این داستان بر یک طرح کلی استوار است و کنش‌های مرتبط با ماجرا طرحی بدین شرح دارد:  
فرآیند آغازین: داستان با اشاره به دعوت قوم عاد به یکتاپرستی توسط هود<sup>(ع)</sup> آغاز می‌گردد.  
فرآیند پویایی:

الف. گره‌افکنی: گره‌افکنی زمانی به وقوع می‌پیوندد که کافران قوم عاد در برابر دعوت حضرت<sup>(ع)</sup> ایستادگی و مقاومت می‌کنند.

ب. بحران: نقطه‌ی بحران داستان زمانی به وقوع می‌پیوندد که کافران به نزاع و کشمکش با هود<sup>(ع)</sup> می‌پردازند و وی را تکذیب می‌کنند.

ج. گره‌گشایی: گره‌گشایی داستان با نزول عذاب الهی به وقوع می‌پیوندد.

فرآیند پایانی: با نابود شدن مشرکان به دنبال نزول عذاب الهی داستان به اتمام می‌رسد.

در این طرح هود<sup>(ع)</sup> نیروی اخلاک‌گر و خداوند نیروی سامان دهنده است.

در این طرح، به صورت کلی، عبارتند از:

۱. دعوت به یکتاپرستی توسط هود<sup>(ع)</sup>.

۲. مخالفت قوم عاد با هود<sup>(ع)</sup>.

۳. نزول عذاب الهی و ویرانی قوم عاد.

### ۸. معرفی داستان مریم<sup>(س)</sup> در قرآن کریم

بررسی پیرنگ پنج داستان از قرآن کریم با تکیه بر نظریه لاری وای

نام مریم<sup>(س)</sup> سی و یک بار در قرآن کریم ذکر شده است و داستان این حضرت در ۴ سوره‌ی قرآن کریم آمده است که عبارتند از: آل عمران (۳۵-۳۸، ۴۲-۴۸)، (نساء/۱۵۶)، مریم (۱۶-۳۴) و تحریم (۱۲). این داستان از طرحی کامل و منسجم برخوردار است و از هنگام تولد وی آغاز می‌گردد و تا به دنیا آوردن حضرت عیسی<sup>(ع)</sup> و حوادث بعد از آن ادامه می‌یابد، این داستان یکی از زیباترین و جذاب‌ترین داستان‌های قرآنی به-شمار می‌آید و بخاطر حوادث و معجزه‌هایی که در روند داستان به وقوع می‌پیوندد از زیبایی چشمگیر و منحصربه‌فردی برخوردار است.

#### ۸-۱. طرح‌شناسی داستان مریم<sup>(س)</sup> در قرآن کریم

پیرنگ داستان مریم<sup>(س)</sup> در قرآن کریم بر یک طرح کلی استوار است که کنش‌های آن عبارتند از: فرآیند آغازین: تولد مریم<sup>(س)</sup> و ورود وی به معبد. فرآیند پویایی:

الف. گره‌افکنی: با نزول فرشته‌ی وحی بر مریم<sup>(س)</sup> و بشارت وی به فرزندی پاک و نیکوکار گره‌افکنی داستان آغاز می‌گردد.

ب. بحران: با رفتن مریم به مکانی دور دست و سپس بازگشت وی به همراه عیسی<sup>(ع)</sup> به نزد قومش نقطه‌ی بحران داستان به وقوع می‌پیوندد.

ج. گره‌گشایی: به اذن خداوند عیسی<sup>(ع)</sup> در گهواره سخن می‌گوید و گره‌گشایی داستان به وقوع می‌پیوندد. فرآیند پایانی: عیسی<sup>(ع)</sup> به اذن خداوند از آبروی مادرش صیانت می‌کند. در این طرح مریم<sup>(س)</sup> نیروی اخلاک‌گر و عیسی<sup>(ع)</sup> نیروی سامان دهنده است. در این طرح، به صورت کلی، عبارتند از:

۱. متولد شدن مریم و ورود وی به معبد
۲. باردار شدن مریم به اذن خداوند
۳. سخن گفتن عیسی<sup>(ع)</sup> و صیانت از آبروی مریم<sup>(س)</sup>

### نتیجه‌گیری

- پژوهش حاضر پس از بررسی و تحلیل پیرنگ، داستان‌های آدم<sup>(ع)</sup>، ابراهیم<sup>(ع)</sup>، داوود<sup>(ع)</sup>، هود<sup>(ع)</sup> و مریم<sup>(س)</sup> در قرآن کریم با تکیه بر نظریه‌ی لاری وای، به نتایج زیر رسیده است:
۱. طرح تمامی داستان‌های مذکور بر اساس رابطه‌ی علی و معلولی و به گونه‌ای است که داستان به هر شیوه‌ای که بیان شود، شروع، میانه و پایانی روشن دارد.
  ۲. همه‌ی داستان‌ها در پایبندی به جنبه‌ها و عناصر روایت‌گری و داستان‌پردازی از مقدمه گرفته تا گره‌افکنی، بحران‌زایی، گره‌گشایی و پایان‌بندی، از ساختی مطلوب و پردازشی ویژه برخوردارند؛ به گونه‌ای که با بهره‌مندی از بافتی هنرمندانه و ساختاری محکم و دلنشین در کنار توجه به تصویرگری زنده و پویا، صحنه‌پردازی صادقانه و با تکیه بر روابط علی و معلولی معقول نوعی منحصر به فرد از داستان‌پردازی را خلق نموده‌اند.
  ۳. همه‌ی داستان‌ها از طرح‌افکنی مناسب و طبیعی برخوردارند. نکته دیگر درباره طرح و کنش‌های داستان‌ها، گزینش بجا و مناسب مهم‌ترین حوادث و پرهیز از درازگویی است. چنانکه گاه یک موقعیت بسیار پیچیده و بغرنج با کوتاهترین جمله‌های ممکن بیان می‌شود.
  ۴. پیرنگ این داستان‌ها از روابط علت و معلولی تبعیت می‌کند و حوادث داستان‌ها یکی پس از دیگری به وجود می‌آیند و به نتیجه‌ای قطعی و حتمی می‌رسد.
  ۵. حوادث تمامی داستان‌ها توالی زنجیره‌ای دارد و کنش‌ها و واکنش‌های شخصیت‌ها به صورت زنجیروار ادامه می‌یابند.
  ۶. از ویژگی‌های خاص طرح در داستان‌های مذکور می‌توان به مواردی چون: مدیریت دقیق و گزینش مناسب اطلاعات، ایجاد معما و تعلیق پی‌درپی در کمترین حجم متن و کنش، همسویی کنش‌ها و وحدت حوادث و یکدستی روایت در حادثه‌پردازی در کل داستان‌ها اشاره کرد.

## منابع و مآخذ

۱. ابوالستیت، محمد الشحات؛ ۱۹۹۱م، خصائص النظم القرآنی فی قصه ابراهیم(ع)، قاهره: مطبعه الامانه.
۲. ام.ای.فورستر(۱۳۵۳) جنبه های رمان، ترجمه ی ابراهیم یونسی، تهران: امیرکبیر.
۳. کاظمی، شهاب، (۱۳۷۹ش) آفرینش هنری در داستان ابراهیم (ع)، چاپ اول، قم: انتشارات أحسن الحدیث.
۴. براهینی، رضا،(۱۳۴۸). قصه نویسی، تهران: اشرفی.
۵. بستانی، محمود،(۱۳۷۲)، جلوه های هنری داستان های قرآن، ترجمه: محمدحسین جعفرزاده، چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۶. پراب، ولادیمیر، (۱۳۸۶)، ریخت شناسی قصه های پریان، ترجمه فریدون بدره ای، تهران: مرکز.
۷. پرین، لارنس، (۱۳۸۷). ادبیات داستانی ساختار صدا و معنا، ترجمه ی سلیمانی و فهیم نژاد، تهران: رهنما.
۸. جعفری، حسینعلی، (۱۳۷۶)، بررسی هنری بهترین قصه قرآن، چاپ اول، تهران: حوزه هنری.
۹. حسینی، سید ابوالقاسم، (۱۳۷۷)، مبانی هنری قصه های قرآن، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.
- حسینی، محمد، (۱۳۸۳). «ریخت شناسی قصه های قرآن»، چاپ دوم، تهران، انتشارات ققنوس.
۱۰. داد، سیما، (۱۳۷۵)، فرهنگ اصطلاحات ادبی، چاپ دوم، تهران: مروارید.
۱۱. رجبی، زهرا و همکاران، (۱۳۹۱)، بررسی و تحلیل طرح داستان یوسف در قرآن با تأکید بر نظریه پیرنگ لاری وای، فصلنامه ی پژوهش های ادبی سال نهم، شماره ۳۶
۱۲. زیس، آونر، (۱۳۶۰). پایه های هنرشناسی علمی، تهران: بیوند.
۱۳. فورستر، ادوارد،(۱۳۶۹). جنبه های رمان، ترجمه ی ابراهیم یونسی، تهران: نگاه.
۱۴. گراوند، علی، (۱۳۸۸). بوطیقای قصه در غزلیات شمس، تهران: معین.
۱۵. مستور، مصطفی، (۱۳۷۹). مبانی داستان کوتاه، تهران: قطره.

۱۶. میرصادقی، جمال (۱۳۸۵)، ادبیات داستانی، تهران: مؤسسه‌ی نهادگذاری مطالعات علمی-پژوهشی  
گویا.

### **Acknowledgements**

We would like to express our thanks to reviewers for their valuable suggestions on an earlier version of this paper.

### **Declaration of Conflicting Interests**

The author(s) declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship and/or publication of this article.

### **Funding**

The author(s) received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

### **REFERENCES**

- Abulsatit, M., (1991). *"Characteristics of Quranic order in the story of Ibrahim (AS)"*, Cairo: Al-Amana Press.
- M.A. Forrester (1974) *"Aspects of the novel"*, translated into Farsi by Ebrahim Younesi, Tehran: Amirkabir.
- Kazemi, S., (2000). *"Artistic Creation in the Story of Ibrahim (AS)"*, 1<sup>th</sup> edition, Qom: Ahsan Al-Hadith Publications.
- Brahini, R., (1969). *"Story writing"*, Tehran: Ashrafi.
- Bostani, M., (1993), *"Artistic Effects of Quran Stories"*, Translation: Mohammad Hossein Jafarzadeh, 1<sup>th</sup> edition Mashhad, Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation.
- Propp, V., (2007), *"Morphology of fairy tales"*, translated by Fereydoon Badraei, Tehran: Markaz.
- Perrin, L., (2008). *"Fiction literature on the structure of sound and meaning"*, translated by Soleimani and Fahimnejad, Tehran: Rahnama.
- Jafari, H. A., (1997), *"Artistic study of the best story of the Quran"*, 1<sup>th</sup> edition, Tehran, Hozeh Honari.
- Hosseini, S., (1998), *"Artistic Foundations of Quran Stories"*, Radio and Television Islamic Research Center.
- Hosseini, M., (2004). *"Morphology of Quranic stories"*, 2<sup>th</sup> edition, Tehran, Ghoghnoos Publications.
- Dad, S., (1996), *"Dictionary of Literary Terms"*, 2<sup>th</sup> edition, Tehran: Morvarid.
- Rajabi, Z., et al., (2012), *"A Study and Analysis of the Story of Yusuf in the Qur'an with Emphasis on Larijawa Plot Theory"*, Quarterly Journal of Literary Research, Vol.9, No. 36

**Examining the plot of five stories from the Holy Quran based on Larry Way's theory**

---

Zeiss, A., (1981). *"Fundamentals of Scientific Art"*, translated by K. M. Tehran: Peyvand.

Forster, E., (1990). *"Aspects of the novel"*, translated by Ebrahim Younesi, Tehran: Negah.

Gravand, A., (2009). *"Story Poetics in Shams Ghazals"*, Tehran: Moein,

astoor, M., (2000). *"Basics of short story"*, Tehran: Qatre.

Mirsadeghi, J. (2006). *"Fiction"*, Tehran: Institute for Institutionalization of Gouya Scientific-Research Studies.